سبک برنامه‌ریزی

سیاست‌های جمعیت‌زدایی که پس از دوران انفجار جمعیتی ایران در سال‌های اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ رخ داده، موجب شده آهنگ رشد جمعیت به شدت کاهش یابد. تداوم روند کنونی کاهش آهنگ جمعیت و از سوی دیگر افزایش سن ازدواج و تحلیل فرزندآوری از سوی خانواده‌های جدید، هرم سنی پیش‌بینی شده در ۴۰ سال آینده را یک هرم پیر جمعیتی نشان می‌دهد

قدرت‌های جهانی نگران کاهش جمعیت خود و افزایش جمعیت مسلمانان

قید فرزندآوری را می‌زنیم تا دیگران را خشنود کنیم!

تاکنون مقالات و گزارش‌های متعددی با رویکرد هشدارهای کاهش جمعیت در مطبوعات منتشر شده و زوایای متعدد این چالش را بررسی کرده‌اند، اما به جرئت می‌توان گفت مقاله مفصل «شاخص‌ها و سیاست‌های جمعیتی در ایران» تألیف دکتر مصطفی سمیعی‌نسب، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) و مرتضی ترابی کارشناس ارشد اقتصاد و دستیار پژوهشی مرکز تحقیقات میان‌رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی دانشگاه امام صادق(ع) که پیشتر در فصلنامه «نگاه دو» منتشر شده است، از جمله مقالات متفاوت در تحلیل مؤلفه‌های مرتبط با سیاست‌های فرزندآوری و جمعیت است؛ متفاوت از این حیث که در این مقاله دو شاخه برجسته دیده شده است. اول واکاوی اصولی که در اذهان بسیاری از ما به عنوان یک اصل مسلم درباره فرزندآوری تثبیت شده است. به طور مثال اینکه اکثر ما معتقدیم بین رفاه اقتصادی و حتی شاخص فرهنگی خانواده و تعداد فرزندان رابطه عکس وجود دارد، به این معناست که هرچه تعداد فرزندان بیشتر می‌شود، عیار تربیتی آنها افت می‌کند و خانواده هم از حیث تأمین مایحتاج روان و تن فرزندان به زحمت می‌افتد و فرسوده می‌شود. در این شاخه، این مقاله می‌کوشد با ابزارهایی چون قیاس، گزاره‌هایی از بزرگان جامعه‌شناسی و البته رهیافتی دینی، به اصولی که در ذهن بسیاری از ما به عنوان امور مسلم جا خوش کرده است، خدشه وارد کند، اما شاخه دومی که در این مقاله دیده شده، نگاه به مسئله مهار جمعیت به عنوان بخشی از سیاست‌های اعمال‌شده از سوی قدرت‌های جهانی در جهت تأمین منافع و خواست‌ها و سیاست‌های آنها در مناطق مختلف دنیاست. در واقع قدرت‌های جهانی دارای سیاستی دوگانه و یک بام و دو هوا در این زمینه هستند؛ سیاستی که در پی افزایش جمعیت جوامع خودشان و کاهش جمعیت کشورهای دیگر به ویژه جوامع مسلمان است. در این میان وقتی شهروندان جوامع هدف قید فرزندآوری را می‌زنند گامی برای خشنودی و منافع قدرت‌ها برمی‌دارند. آنچه در این مقاله مطرح می‌شود، نکات قابل تأمل و گاه تکان‌دهنده‌ای است. از آنجا که این مقاله بلند که بیشتر صورت یک کتاب را به خود گرفته، حجم قابل توجهی دارد، ما در اینجا صرفاً به چکیده‌ای از آن بسنده و مخاطبان را به خواندن نسخه کامل آن در منبع اصلی دعوت می‌کنیم.

■ آیا جمعیت افزایش فقر می‌آورد؟

در ابتدا باید پرسید آیا جمعیت بیشتر مستلزم فقر است؟ به طور قطع نمی‌توان این الزام را پذیرفت که جمعیت زیاد با فقر ملازم باشد. به طور مثال کشور چین با بیش از یک‌میلیارد و ۳۰۰ میلیون جمعیت در وضعیتی کاملاً متفاوت با کشور هند با جمعیتی قریب به همان جمعیت قرار دارد. همچنین خانواده‌های پرجمعیت زیادی وجود دارند که به اتکای فراوانی و جوانی افراد، فعال‌تر و بانشاط‌تر بوده و به سلامت و صحت زندگی می‌کنند. اگرچه خانواده‌های پرجمعیتی هم وجود دارند که به دلیل شرایط اجتماعی - اقتصادی دیگر، تعداد افراد خانواده برای آنها ایجاد مشکل کرده است. در عین حال می‌توان پذیرفت که اگر خانواده‌های پرجمعیت در بستر فقر اجتماعی قرار گیرد، مشکلاتشان افزوده می‌شود. به عبارت دیگر در چنان شرایطی، خانواده‌های کم‌جمعیت مشکلات کمتری را تحمل می‌کنند و به مراتب نگرانی‌های کمتری نیز پیش رو دارند. ترکیب «تک‌فرزندی و رفاه» نیز بر رفتار والدین و کودکان تأثیر فراوانی دارد. کودکان در خانواده‌های تک‌فرزند در سلسله فراوانی از خواسته‌های بی‌پایان خود رشد می‌کنند که همه یا اکثر آنها اجابت می‌شود. مفاهیم اخلاقی‌ای نظیر کف نفس و قناعت، ایثار و گذشت برای دیگری، تلاش در جهت استقلال شخصیت به گونه‌ای مسئولانه برای این کودکان تجربه نمی‌شود. از سوی دیگر به دلیل اصالت رفاه و لذت، والدین نیز فرزند بیشتر را «مزاحم» تلقی می‌کنند. بدیهی است که فرزندان در رشد و ارتقای شخصیت والدین‌شان تأثیر دارند. در خانواده‌های تک‌فرزند والدین نیز از تأثیرات مثبت فرزندان کم بهره می‌برند. بنابراین اگر در نگرش دینی قناعت، ایثار، تمرین اخلاقی، کار و تلاش برای رشد و راحتی دیگران فی‌نفسه ارزش است، رفاه و لذت مادی در درجه دوم اعتبار و اهمیت قرار دارد. سیاست‌های کاهش جمعیت تا حد پیدایش خانواده‌های تک‌فرزند از این منظر می‌تواند مورد تجدیدنظر یا سؤال قرار بگیرند.

■ تراکم جمعیتی، عامل پویایی روابط

در گذشته، نگرش‌های جامعه‌شناختی، آثار اخلاقی فراوانی را برای جمعیت در اجتماع قائل بود. برای مثال دورکیم برای تراکم جمعیتی دو اثر مثبت قائل بود: اول آنکه تراکم جمعیتی باعث تقسیم کار دائم و بهتر در طول توسعه اجتماعی می‌شود؛ دوم آنکه این تراکم، باعث تراکم اخلاقی می‌شود. از نظر دورکیم، جمعیت بیشتر باعث می‌شود روابط بیشتری بین انسان‌ها برقرار شود. افزایش سطح روابط، تحرک فزاینده‌ای ایجاد می‌کند که به خلاقیت و در نهایت پیشرفت سطح تمدن منتهی می‌شود. دورکیم معتقد است زمانی که جمعیت قابل توجه باشد، افراد ناچارند برای حفظ موجودیت خود، کار و تحرک بیشتری داشته باشند. این تحرک وافر نیز باعث ایجاد و تحقق فرهنگی بسیار بالاست. شاید بتوان مراد دورکیم را چنین توضیح داد که مردم در سایه کار و تقسیم آن به انسان‌های خودساخته‌تر، منضبط‌تر و متعامل‌تری بدل می‌شوند. در چنین ساختی، دوره کودکی کوتاه‌تر است و انسان‌ها زودتر وارد دوره پختگی و تلاش می‌شوند.

■ اروپا در حال محو شدن است

یکی از مشکلات جوامع توسعه‌یافته و کم‌جمعیت، پیری و در نتیجه نداشتن نشاط اقتصادی - اجتماعی آنهاست. بدیهی است که رونق اقتصادی به نیروی جوان وابسته است. زمانی که جوامع پیر می‌شوند، دولت‌ها و صاحبان سرمایه، احساس خطر می‌کنند. جوانان مایه پویایی و سرزندگی جوامع هستند. اکثر جهش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز از دل نیروهای جوان جوشیده است. شیراک، زمانی که نخست‌وزیر فرانسه بود، درباره کشورهای مدرن اروپایی پیش‌بینی کرد: اروپا در حال محو شدن است. به زودی کشورهای ما خالی می‌شوند. به همین دلیل بعضی کشورهای بزرگ از جمله کانادا به طور جدی روی برنامه مهاجرت‌پذیری، سرمایه‌گذاری کرده‌اند. ایالت کبک در کانادا حمایت از زادآوری را شروع کرده است. در این ایالت برای نوزادان جدید ۷ هزار و ۵۰۰ دلار نقد در نظر گرفته شده است، بنابراین باید محاسبه کرد که آیا اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت و ایجاد رفاه کامل برای مقطعی از عمر جوامع، به پیری و فرسودگی دائمی یا درازمدت آنها ترجیح دارد یا خیر؟ زمانی که سیاست‌های کاهش جمعیت اعمال می‌شود، رفتارهای زادآوری افراد تغییر می‌کند و عادت‌های نوین جایگزین می‌شود، دیگر جوان کردن جامعه به سهولت ممکن نیست.

■ هراس غرب از پویایی جمعیت در تمدن اسلام

افزایش جمعیت جوان کشورهای اسلامی مسئله عمده‌ای است که از سوی قدرت‌های استعماری به عنوان یک خطر تلقی شده است. «ساموئل هانتینگتون» در بخشی از مصاحبه خود درباره تمدن اسلام و چین و چالش آنها با تمدن غرب، با اشاره به نقش روزافزون مسلمانان می‌گوید: «تمدن اسلام، تمدنی است که چالش آن تا حدودی متفاوت از دیگر چالش‌هاست چراکه این تمدن اساساً ریشه در نوعی پویایی جمعیت دارد. رشد بالای زاد و ولد که در اکثر کشورهای اسلامی شاهد آن هستیم این چالش را متفاوت کرده است. امروزه بیش از ۲۰ درصد جمعیت جهان اسلام را جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله تشکیل داده‌اند.» تحلیلگران غربی هراسناک، جمعیت جوان کشورهای اسلامی را تحلیل می‌کنند. در شرایط فعلی موازنه جمعیت جوان و تحصیلکرده جهان، به نفع کشورهای اسلامی رقم می‌خورد. از سوی دیگر همین جمعیت جوان و آگاه است که انرژی خود را صرف دفاع و حمایت از کشور و نوامیس خود و باطل ساختن توطئه‌های قدرت‌های استکباری می‌کند. به همین دلیل این جمعیت، خطر بزرگی بر سر راه اهداف آنها محسوب می‌شود. افزایش جمعیت مسلمانان در درون کشورهای غربی نیز نگرانی دیگر قدرت‌های بزرگ است. رشد منفی جمعیت نژاد اروپایی و زاد و ولد زیاد مسلمانان می‌تواند در بسیاری از مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای مذکور اثر بگذارد. از موضع‌گیری‌هایی که در مقابل جمعیت مسلمانان می‌شود، این به دست می‌آید که جمعیت، یک فاکتور مهم در اقتدار سیاسی است. این مسئله در موارد دیگر هم صادق است. امروزه کشور چین با جمعیت فراوانش یک تهدید جدی برای قدرت‌های بزرگ به حساب می‌آید. البته روشن است که جمعیت به کمک عوامل دیگری چون پویایی اقتصاد، اصرار بر حفظ ارزش‌های ملی، دینی و سنتی با اتکا بر فرهنگ و اجتماعی غنی، چنان تأثیری را بر جای خواهد گذاشت.

■ رویکرد دینی به جمعیت چیست؟

نکته مهم دیگر در بحث کنترل جمعیت و تنظیم خانواده، آگاهی از رویکرد دینی در این باره است. حکومت دینی نمی‌تواند در طراحی موضوعات اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی نسبت به اولویت‌های دینی بی‌تفاوت باشد، اگرچه احراز نظریه قاطع دینی درباره کنترل جمعیت به عنوان یک پدیده اجتماعی، چندان راحت نیست اما آگاهی دولتمردان از آنچه در متون مربوط آمده، یک ضرورت است. در آیات و روایات زیادی موضوعاتی طرح شده که هر کدام به نوعی با مسئله کنترل جمعیت نفیاً و اثباتاً مرتبط هستند. اولین مسئله، ازدواج است. در آیات قرآن و روایات، تشویق فراوانی به ازدواج و خروج از تجرد شده است. بدیهی است که یکی از نتایج ازدواج در اغلب موارد تولید و احیاناً تکثیر نسل است. در برخی روایات، توصیه به ازدواج با هدف تکثیر نسل، صورت گرفته است.

آیات و روایاتی وجود دارد که فزونی جمعیت مسلمانان را یک معیار مهم هم در دنیا و هم در آخرت قرار داده است. فرزندان در دنیا زینت، مایه استعانت، امداد و قدرت و مایه غلبه مؤمنان و در آخرت مایه مباهات پیامبر اسلام (ص) معرفی شده‌اند. برخی محققان از مجموع این روایات، اصل اولی را استحباب تکثیر نسل دانسته‌اند. همچنین در روایات متعددی، فرزندکشی و امتناع از فرزندآور شدن به دلیل ترس از فقر مورد نکوهش قرار گرفته است.

■ متقاعدسازی و مداخله سیاسی در جمعیت‌زدایی

در سال ۱۳۲۷ دولت امریکا یک واحد پژوهشی به نام «دفتر تحقیق عملیات» تأسیس کرد تا پایه‌های نظری عملیات روانی در علوم اجتماعی را استخراج کند. این دفتر توسط دانشگاه جان هاپکینز و طی قراردادی با ارتش امریکا در بالتیمور مریلند پایه‌ریزی شد. بعدها مهارت و تخصصی که در برنامه دفتر تحقیق عملیات ارتش امریکا / دانشگاه جان هاپکینز ایجاد شده بود، به شکل استادانه‌ای در هم تافته و به مدرسه بهداشت و سلامت عمومی دانشگاه جان هاپکینز انتقال یافت که رشته «ارتباطات سلامت عمومی» را ایجاد کرد. همچنین مرکز برنامه‌های ارتباطات در سال ۱۳۶۷ توسط فیلیپس نیلسون پیوتر و به عنوان بخشی از اداره پویایی جمعیت در مدرسه بهداشت و سلامت عمومی تأسیس شد که هدف اصلی این مرکز، کنترل جمعیت جهانی است. این معنا هنگامی تقویت می‌شود که بدانیم کاهش جمعیت جهانی یکی از طرح‌های شورای امنیت امریکا بوده است. طی دهه ۱۳۵۰ و در زمان هنری کیسینجر مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور وقت، طرح مطالعاتی درباره تأثیر روند رشد جمعیت جهانی بر امنیت ملی امریکا انجام شد. این پروژه که «NSSM ۲۰۰» نام گرفت روند فزاینده رشد جمعیت جهانی را برخلاف امنیت ملی امریکا دانست و با تشریح راهبرد امریکا در مورد جمعیت جهانی، سیاست‌ها، راهکارها، چگونگی همکاری سازمان‌های بین‌المللی و روش ترغیب و اقناع رهبران کشورهای مورد نظر برای کاهش روند رشد جمعیت را تبیین می‌کند.

■ وقتی تئوری جمعیتی مالتوس موضوعیتش را از دست می‌دهد

مطرح‌ترین تئوری جمعیتی که در مباحث توسعه اقتصادی بیان می‌شود، توسط مالتوس مطرح شده که شاه‌بیت آن به این مسئله اشاره دارد که «رشد جمعیت بر پایه تصاعد صعودی و افزایشی بوده در حالی که رشد منابع غذایی بر پایه تصاعد عددی و حسابی و به آرامی صورت می‌گیرد.» طبق برآورد مالتوس در برهه‌ای از زمان، رشد جمعیت از رشد امکانات و منابع پیشی گرفته و بنابراین امکانات موجود پاسخگوی نیازهای جمعیت نخواهد بود. در نتیجه بحران جمعیتی و انسانی پدیدار خواهد شد. توصیه مالتوس بر پذیرش جلوگیری از زاد و ولد به منظور تعویق انداختن بحران یا حذف بحران بود. البته این تئوری با ورود بازده فزاینده به مقیاس و افزایش سطح تکنولوژی و در نتیجه افزایش بهره‌وری از واحدهای ثابت موضوعیت خود را از دست داد. در واقع نگرانی‌های موجود درباره تکافو نکردن منابع و امکانات طبیعی خدادادی در پاسخ به نیازهای جمعیتی دارای ریشه در مبانی معرفت شناختی علم اقتصاد مبتنی بر آموزه‌های لیبرال سرمایه‌داری است. در تعریف پایه علم اقتصاد تصریح می‌شود که علم اقتصاد عبارت است از علم تخصیص منابع محدود به نیازهای نامحدود انسان، اما از منظر گزاره‌های ایدئولوژیک اسلامی و قرآنی اساس این تعریف محل اشکال است چراکه این تعریف دائماً مصرف‌گرایی انسان و نیازهای او را به هر قیمتی دامن می‌زند.

■ آیا هرم پیر جمعیتی در انتظار ماست؟

تحلیل نتایج سرشماری‌های جمعیتی در شش سرشماری صورت گرفته در تاریخ ایران از یک سو و همچنین کالبدشکافی هرم سنی جمعیت مبتنی بر سرشماری جمعیتی در سال ۸۵ از منظر کوتاه مدت بیانگر آن است که گرچه قواعد هرم سنی جمعیتی هم اکنون در سنین ۳۰-۲۰ سال بوده، بنابراین از این منظر پاسخگویی به نیازهای متنوع این طیف جمعیتی، بزرگ‌ترین چالش اساسی کشور به شمار می‌رود لکن سیاست‌های جمعیت‌زدایی که پس از دوران انفجار جمعیتی ایران در سال‌های اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ رخ داده، موجب شده آهنگ رشد جمعیت به شدت کاهش یابد. در تحلیل مناسبات جمعیتی با توجه به گذشته و با توجه به روندهای جهانی و شواهد موجود ایران، میزان واکنش مردم به قبول کاهش جمعیت به مراتب بیشتر از واکنش آنها به افزایش جمعیت است. تغییر روندهای تولیدی از اقتصاد مبتنی بر خانواده و کشاورزی به اقتصاد صنعتی و سپس مبتنی بر دانش و کاهش نقش انسان در فرایندهای تولیدی مؤید این نکته است. از سوی دیگر وجود انواع جاذبه‌های مصنوعی و مشغولیات و فناوری‌های سرگرم‌کننده نیز به تدریج جایگزین انسان و مناسبات خانوادگی شده است. برآیند این تحولات به همراه تداوم روند کنونی کاهش آهنگ جمعیت و از سوی دیگر افزایش سن ازدواج و تحلیل فرزندآوری از سوی خانواده‌های جدید، هرم سنی پیش‌بینی شده در ۴۰ سال آینده را یک هرم پیر جمعیتی نشان می‌دهد. به صدا درآوردن این زنگ خطر از هم‌اکنون از سوی کارشناسان و ارکان عالی حکومت، اقدام شایسته‌ای است که در صورت توجه خانواده‌ها به آن شاید بتوان نتایج آن را سه دهه بعد شاهد بود.

نگاه

اهمیت موضوع جمعیت از نگاه رهبر معظم انقلاب

نگذاریم نمای زیبای جوانی در کشور از بین برود

۱۸ تیر سال ۶۸ را می‌توان تاریخ اولین موضع رسمی رهبر معظم انقلاب درباره جمعیت دانست، یعنی همان سالی که بعد از ارتحال امام(ره) سکان هدایت کشور را به دست می‌گیرند. مقام معظم رهبری در بیانات آن روز در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم به این نکته اشاره می‌کنند: «کشور ما یکی از نادرترین کشورها در زمینه‌های عمران و آبادانی است. ما اگر دو برابر امروز هم جمعیت داشته باشیم، باز هم می‌توانیم بدون کمترین نیازی به کشورهای دیگر، خود را به بهترین وجه اداره کنیم. این ظرفیت خوب، هم در خاک بابرکت ما و هم در استعدادهای انسانی ممتاز کشور و هم در دستورات و روش و قانون اساسی، هم در مسئولان ما وجود دارد.» این همان تزی است که امروز برخی از آگاهان و صاحبنظرانی که نگاه جامع‌تری به موضوع جمعیت دارند، به آن اعتراف می‌کنند؛ اینکه سرمایه‌های انسانی، طبیعی و استعدادهای کشور به گونه‌ای است که می‌توان با مدیریت صحیح نه تنها از عهده جمعیت فعلی برآمد بلکه کشور و فرهنگ عمومی را از این تفکر که بیش از دو بچه آوردن اشتباه است، بیرون آورد.

رهبری در دیدار ۱۶ مرداد سال ۹۰ با مسئولان نظام اشاره دیگری به این موضوع دارند: «جمعیت کشور، ۷۵ میلیون. البته بنده همین جا عرض بکنم؛ من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم، می‌تواند ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد. من معتقد به کثرت جمعیت هستم. هر اقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از ۱۵۰ میلیون انجام بگیرد.»

اما حدود یک سال بعد یعنی سوم مرداد سال ۹۱ رهبری در دیدار با کارگزاران نظام به چند نکته مهم در ارتباط با جمعیت اشاره می‌کنند که حاوی نکات قابل توجهی است. مهم‌ترین رکن بیانات رهبری در این دیدار تکیه بر تجدیدنظر در سیاست تحدید نسل است. رهبری با قاطعیت به این نکته اشاره می‌کنند که در همان دهه ۷۰ کشور به آنچه از کنترل جمعیت می‌خواسته رسیده است، اما حتی در عالی‌ترین سطوح مدیریت کشور خطایی رخ داده و بعدها همان سیاست تحدید جمعیت دنبال شده است. در فرازی از بیانات رهبری در این دیدار آمده است: «از لحاظ نیروی انسانی، ما ۷۵ میلیون نفر جمعیت داریم؛ این جمعیت عامل خیلی مهمی است. من این را همین جا عرض بکنم؛ جمعیت جوان و بانشاط و تحصیلکرده و باسواد کشور، امروز یکی از عامل‌های مهم پیشرفت کشور است. در همین آمارهایی که داده می‌شود، نقش جوان‌های تحصیلکرده و آگاه و پرنشاط و پرنیرو را می‌بینید. ما باید در سیاست تحدید نسل تجدیدنظر کنیم. سیاست تحدید نسل در یک برهه‌ای از زمان درست بود؛ یک اهدافی هم برایش معین کردند. آن‌طوری که افراد متخصص و عالم و کارشناسان علمی این قسمت تحقیق و بررسی کردند و گزارش دادند، ما در سال ۷۱ به همان مقاصدی که از تحدید نسل وجود داشت، رسیدیم. از سال ۷۱ به این طرف، باید سیاست را تغییر می‌دادیم؛ خطا کردیم، تغییر ندادیم. امروز باید این خطا را جبران کنیم. کشور باید نگذارد که غلبه نسل جوان و نمای زیبای جوانی در کشور از بین برود.»

رهبری در ۱۹ مهرماه همان سال - بیانات در اجتماع مردم بجنورد - دوباره بر خطای مدیریتی در تحدید جمعیت اشاره می‌کنند و با فروتنی تمام نقش خودشان را هم در این موضوع عنوان می‌کنند: «یکی از خطاهایی که خود ما کردیم - بنده خودم هم در این خطا سهیمم - این مسئله تحدید نسل از اواسط دهه ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد. البته اولی که سیاست تحدید نسل اتخاذ شد، خوب بود، لازم بود، لیکن از اواسط دهه ۷۰ باید متوقف می‌شد. این را متوقف نکردیم؛ این اشتباه بود. عرض کردم؛ مسئولان کشور در این اشتباه سهیمند، خود بنده حقیر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد. نسل جوان را باید حفظ کرد. با این روند کنونی اگر ما پیش برویم - من چندی پیش هم در ماه رمضان در سخنرانی گفتم - کشور پیر خواهد شد. خانواده‌ها، جوان‌ها باید تولید مثل را زیاد کنند؛ نسل را افزایش دهند. این محدود کردن فرزندان در خانه‌ها، به این شکلی که امروز هست، خطاست. این نسل جوانی که امروز ما داریم، اگر در ۱۰ سال آینده، ۲۰ سال آینده و در دوره‌ها و مرحله‌های آینده این کشور بتوانیم آن را حفظ کنیم، همه مشکلات کشور را اینها حل می‌کنند؛ با آن آمادگی، با آن نشاط، با آن شوقی که در نسل جوان هست، با استعدادی که در ایرانی وجود دارد. پس ما مشکل اساسی برای پیشرفت نداریم.» رهبر معظم انقلاب یازدهم اردیبهشت سال ۹۲ به یکی از ابعاد مسئله جمعیت که در سال‌های اخیر به عنوان یک مانع خود را نشان داده اشاره می‌کنند؛ تحقیر خانه‌داری؛ اینکه در ضرورت‌های زندگی امروز و اشتغال زنان گاه موضوع به گونه‌ای در ذهن‌ها جا می‌افتد که خانه‌داری و بچه‌داری به عنوان یک کار سخیف و ساده و کم‌ارزش جلوه‌گر می‌شود. رهبری در این دیدار به ضرورت برقراری توازن میان نقش‌های اجتماعی و خانوادگی اشاره می‌کنند: «یکی از مهم‌ترین وظایف زن، خانه‌داری است. همه می‌دانند، بنده عقیده ندارم به اینکه زن‌ها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند؛ نه، اشکالی ندارد اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این می‌شود گناه. خانه‌داری یک شغل است؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حساس، شغل آینده‌ساز. فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است.» رهبری در دیدار هشتم آبان سال ۹۲ در دیدار اعضای همایش تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه به این نکته اشاره می‌کنند که حتی اگر از زاویه مقلدانه - تقلید از غرب - به موضوع جمعیت نگاه کنیم یعنی قشری و لایه‌ای از جامعه که الگوهای فکری و معرفتی‌اش را از غرب می‌گیرد به این موضوع توجه کند که امروز یک خانواده امریکایی با ۱۰، ۱۲ بچه یک امر طبیعی و پذیرفته شده است و نشانه عقب‌ماندگی فکری و فرهنگی محسوب نمی‌شود، حالا چطور می‌شود کسی که مثلاً به تصور خودش می‌خواهد به‌روز باشد و به‌روز رفتار کند، چهار، پنج بچه آوردن را نشانه‌ای از عقب‌ماندگی فکری می‌داند.

اما ۳۰ اردیبهشت سال ۹۳ به یک معنا تاریخ مهمی در سیاست‌های جمعیتی کشور است. در این تاریخ سیاست‌های کلی جمعیت از سوی رهبر معظم انقلاب ابلاغ می‌شود. رهبری ضمن ابلاغ این سیاست‌ها در پیشانی‌نوشت این سیاست‌ها می‌نویسند: «با عنایت به اهمیت مقوله جمعیت در اقتدار ملی و با توجه به پویندگی، بالندگی و جوانی جمعیت کنونی کشور به عنوان یک فرصت و امتیاز؛ در جهت جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری در سال‌های گذشته، سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغ می‌گردد. با در نظر داشتن نقش ایجابی عامل جمعیت در پیشرفت کشور، لازم است برنامه‌ریزی‌های جامع برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور متناسب با سیاست‌های جمعیتی انجام گیرد. همچنین ضروری است با هماهنگی و تقسیم کار بین ارکان نظام و دستگاه‌های ذیربط در این زمینه، اقدامات لازم با دقت، سرعت و قوت صورت گیرد و نتایج رصد مستمر اجرای سیاست‌ها گزارش شود.» اما درست چند روز بعد از ابلاغ این سیاست‌ها - ۴ خرداد ۹۳ - رهبری در دیدار با نمایندگان مجلس توجه نمایندگان را به ابعاد فراملی و امنیت برون‌مرزی کشور جلب می‌کنند، به اینکه کشورهایی وجود دارند که بدشان نمی‌آید جمعیت کشور رو به زوال بگذارد: «مسئله کاهش جمعیت مسئله بسیار مهمی است. برای آن دشمنانی که در اوایل صحبت اشاره کردم، بهترین چیز این است که ایران یک کشوری باشد با ۲۰، ۳۰ میلیون جمعیت که نصف این جمعیت هم کهنسال و میانسال و از کارافتاده باشند؛ این برایشان بهترین چیز است؛ [اگر] برای این برنامه‌ریزی بتوانند بکنند، حتماً می‌کنند، پول بتوانند خرج کنند، حتماً خرج می‌کنند؛ ما باید حرکتمان در مقابل این حرکت، حرکت صحیح و منطقی و خردمندانه و عالمانه باشد.»